

نام و نام خانوادگی:
 مقطع و رشته: دوازدهم انسانی
 نام پدر:
 شماره داوطلب:
 تعداد صفحه سؤال: ۱ صفحه

جمهوری اسلامی ایران
 اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران
 دبیرستان غیردولتی دخترانه سرای دانش واحد تهران
 آزمون پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

نام درس: فلسفه (۲)
 تاریخ امتحان: ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۹۹
 ساعت امتحان: ۰۸ : ۰۰ صبح / عصر
 مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

محل مهر و امضاء مدیر	نمره به عدد:	نمره به حروف:
	نمره تجدید نظر به عدد:	نمره به حروف:
نام دبیر:	تاریخ و امضاء:	نام دبیر:
تاریخ و امضاء:	نمره به عدد:	نمره به حروف:
سؤالات	ردیف	پاسخ
انسان در هر چیزی که مشاهده می کند چند حثیت می یابد؟ نام ببرید.	۱	
آیا در قضیه "انسان حیوان ناطق است" حمل محمول بر موضوع نیاز به دلیل دارد؟ چرا؟	۲	
در جهان اسلام کدام فلاسفه از برهان "وجوب و امکان" استفاده کرده اند؟	۳	
در قضایا عدد هشت فرد است و تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است رابطه موضوع و محمول چگونه است؟ توضیح دهید.	۴	
از نظر ابن سینا میان ماهیات و وجود چه نوع رابطه ای برقرار است؟	۵	
پیام اصلی ابن سینا و پیروان او در درباره موجودات جهان چیست؟	۶	
رابطه علیت رابطه ای وجودی است یعنی چه؟	۷	
دیدگاه دکارت درباره اصل علیت را بنویسید.	۸	
با ذکر مثال توضیح دهید که به عقیده هیوم ما از چه طریقی عادت کرده ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم؟	۹	
از نظر دموکریتوس چه چیزی سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است؟	۱۰	
از سه اصل علیت، اصل وجوب بخشی علت به معلول و سنخیت به ترتیب چه نتایج بدست می آید؟	۱۱	
چهار مورد از معانی "اتفاق" را بنویسید.	۱۲	
حکما و فلاسفه ایران باستان چه نظری در باره خدا داشتند؟	۱۳	
از نظر افلاطون، کار خداوند چگونه است و خدا از منظر افلاطون چه ویژگی هایی دارد؟	۱۴	
استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا را بنویسید.	۱۵	
صفحه ۱ از ۱		

جمع بارم : ۲۰ نمره

روزافزون موفق باشید



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران
اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ۴ تهران
دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد رسالت
کلید سؤالات پایان ترم نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹

ناهم درس: فلسفه (۲)
تاریخ امتحان: ۱۳/۱۰/۱۳۹۹
ساعت امتحان: ۰۸:۰۰ صبح / عصر
مدت امتحان: ۹۰ دقیقه

ردیف	راهنمای تصحیح	محل مهر یا امضاء مدیر
۱	دو حیثیت می یابد: حیثیت موجود بودن و حیثیت چپستی داشتن	
۲	خیر- زیرا این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند. حمل حیوان ناطق برای انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد.	
۳	بهمینار، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی	
۴	برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت فرد باشد، موجودات روی زمین نامحدود باشند.	
۵	وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، می بینیم که میان این ماهیات و وجود یک رابطه امکانی برقرار است؛ یعنی ذات و ماهیت اشیاء به گونه ای نیست که حتماً باید باشد. همچنین، به گونه ای هم نیست که بودن آنها محال باشد. این اشیاء ذاتاً می توانند باشند یا نباشند. به تعبیر دیگر، این اشیاء ممکن الوجودند.	
۶	موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته اند	
۷	یعنی یکی وجودش وابسته به وجود دیگری است.	
۸	اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است که انسان از آن درک فطری دارد.	
۹	مثلاً چشم، می بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه خورشید علت روشنی زمین است چنین چیزی با حس قابل رؤیت نیست. بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن، در ذهن ما چنین "تداعی" می شود که خورشید "علت" روشن شدن زمین است و این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست. از این طریق است که ما عادت کرده ایم چیزی را علت چیزی دیگر بنامیم.	
۱۰	برخورد اتفاقی اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم	
۱۱	ارتباط و پیوستگی - تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی - نظم و قانونمندی میان پدیده ها	
۱۲	۱. میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. ۲. ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید. ۳. نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است. ۴. رخ دادن حادثه پیش بینی نشده	
۱۳	آنان خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را ظاهر می سازد و خلق می کند.	
۱۴	کار خداوند هدف دار است. خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این، با چند خدایی یونان تفاوت دارد زیرا در چندخدایی، خلقت آگاهانه معنا ندارد و چندخدایی شکل دیگری از همان کفر و بی خدایی است که افلاطون از آن یاد کرده است.	
۱۵	۱. در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند. ۲. وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است. یعنی، فقط در صورتی که علت موجود باشد، معلول هم موجود خواهد بود. ۳. اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است. اکنون اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، "تسلسل علل نامتناهی" پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برود، اصلاً نوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی رسد. به عبارت دیگر، ابتدا داشتن سلسله بی نهایت قرار دارد، خود متناقض و غیرممکن است. پس، در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و علل موجودات دیگر است.	
جمع بارم: ۲۰ نمره	نام و نام خانوادگی مصحح:	امضاء: